

بررسی تطبیقی مفهوم ترتیل از منظر قرآن، سنت و علم تجوید*

سید جعفر صادقی فدکی**

چکیده:

یکی از روش‌های تلاوت قرآن کریم و بلکه مهم‌ترین و اصلی‌ترین روش قرائت قرآن، تلاوت آن با روش ترتیل است که در آیات قرآن و روایات متعدد مورد تأکید قرار گرفته است. اما در مورد اینکه مفهوم ترتیل چیست، دیدگاه‌های مختلفی از سوی مفسران، محدثان و عالمان علم تجوید بیان شده است. در این پژوهش ضمن بیان اهمیت و جایگاه ترتیل از نگاه قرآن و روایات، مفهوم ترتیل در قرآن، سنت و علم تجوید به گونه تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و این نتیجه حاصل شده است که مفهوم ترتیل، تلاوت قرآن کریم با صوت نیکو و سبک خاصی از قرائت قاریان و یا قرائت قرآن با رعایت قواعد تجوید - آن گونه که در میان عموم مردم و عالمان علم تجوید شهرت یافته - نبوده، بلکه مفهوم ترتیل، تلاوت قرآن کریم با تأنی و آرامش همراه با رعایت قواعد لفظی و ظاهری و تدبر در معانی آیات و عمل به مفاهیم قرآن است. از این رو در این پژوهش ضمن بررسی و نقد دیدگاه‌های دیگر، دیدگاه مورد نظر با ادله متعدد به اثبات رسیده است.

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم / سنت / علم تجوید / ترتیل

* تاریخ دریافت: 1394/3/10، تاریخ تأیید: 1394/4/7.

** استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی sadeghi.fadak@gmail.com

قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر اسلام 6 است که از سوی خداوند تبارک و تعالی بر آن حضرت نازل شده است تا بشریت را از تاریکی‌های جهل و گمراهی نجات داده و آنان را به سوی نور و هدایت راهنمایی کند؛ {كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ} (ابراهیم/1).

بر اساس روایات پیشوایان معصوم دین، قرآن، ریسمان محکم الهی و واسطه میان خدا و خلق و شفابخش امراض روحی و جسمی و بلکه شفادهنده بالاترین دردها، یعنی کفر و نفاق، کوردلی و گمراهی است. قرآن کریم کتابی است که اسباب رشد و تعالی انسان را در دنیا فراهم کرده و در قیامت، از پیروان خود در پیشگاه خداوند شفاعت می‌نماید و اسباب ورود آنان را به بهشت و برخوردارگی از نعمت‌های جاویدان آن فراهم می‌کند. (کلینی، 600/2؛ نوری، 239/4)

لکن تحقق این آثار و برخوردارگی از برکات ذکر شده زمانی محقق خواهد شد که مؤمنان به قرآن کریم تمسک کرده و این کتاب هدایت‌بخش را آن گونه که خداوند در کتاب خود سفارش نموده و مفسران حقیقی قرآن، یعنی اهل بیت : بر آن تأکید کرده‌اند، با آداب و شرایط تلاوت نمایند و در غیر این صورت، رجوع به قرآن و تلاوت این کتاب الهی نه تنها باعث رشد و تعالی انسان در دنیا و آخرت نخواهد گردید، بلکه گاه اسباب دور شدن تلاوت‌کننده را از این کتاب الهی و آثار سودمند آن فراهم خواهد کرد. یکی از توصیه‌های اکید خدا و رسول و امامان معصوم : در این باره آن است که این کتاب الهی با «ترتیل» تلاوت گردد. قرآن کریم می‌فرماید: {وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً} (مزمّل/4).

بیشتر فقیهان اسلامی بر اساس آیه مذکور و ادله دیگر، تلاوت قرآن با ترتیل را حکمی استجبایی شمرده‌اند (حلی، 476/1؛ شهید ثانی، 208/1)، ولی برخی این حکم را تکلیف واجب بر مسلمانان دانسته‌اند، البته با این تفسیر که مراد از ترتیل در این صورت، نطق و بیان حروف قرآن از مخارج اصلی آن و خلط نکردن برخی از این مخارج در مخارج دیگر است. (محقق حلی، 181/2؛ شهید اول، 334/3)

در این آیه خداوند متعال علاوه بر اینکه با فعل امر «رَتَّلْ» که دلالت بر وجوب یا استحباب دارد، مؤمنان را به تلاوت قرآن با روش ترتیل فرمان داده، این دستور را با

مصدر «تَرْتِیلاً» مؤکد کرده که نشانگر اهمیت و مبالغه تلاوت قرآن با این روش و تدبر در آیات قرآن از این طریق است. (ابن جزری، النشر فی قراءات العشر، 296/1)

همچنین قرآن کریم در آیه‌ای دیگر، از به‌جا آوردن حق تلاوت کتاب الهی از سوی مؤمنان سخن به میان آورده و این افراد را مورد مدح و ستایش قرار داده است: {الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ} (بقره/121)

«کسانی که کتاب آسمانی را به آنان دادیم، حق تلاوت آن را به‌جا می‌آورند و آنان کسانی‌اند که به آن ایمان دارند.»

مراد از «الْكِتَاب» در آیه، تورات و یا قرآن کریم است (طبرسی، 371/1؛ طباطبایی، 265/1) و مقصود از به‌جا آوردن حق تلاوت قرآن (حَقَّ تِلَاوَتِهِ) طبق برخی روایات و منابع تفسیری، تلاوت آن با روش ترتیل است (دیلمی، 78/1؛ بحرانی، 315/1؛ طبرسی، 370/1). از این آیه نیز به ضمیمه روایات و کلمات مفسران استفاده می‌شود که هنگامی تلاوت کننده می‌تواند حق تلاوت این کتاب الهی را به‌جا آورد که قرآن را با روش ترتیل قرائت نماید.

افزون بر آیات قرآن، در روایات منقول از پیامبر و اهل بیت : نیز تلاوت قرآن با ترتیل از اهمیت و جایگاه رفیعی برخوردار بوده و مؤمنان، به قرائت این کتاب الهی با این روش، ترغیب و مأمور شده‌اند. از جمله در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «يقال لصاحب القرآن، اقرأ وارقه، ورتل كما كنت ترتل في الدنيا، فان منزلك عند آخر آية تقرأها» (ترمذی، 250/4؛ حر عاملی، 191/6)؛ «در قیامت به قاری قرآن گفته می‌شود قرآن را قرائت کن و بالا برو، و با ترتیل تلاوت کن؛ همان گونه که در دنیا آن را با ترتیل تلاوت می‌کردی؛ زیرا منزل تو در بهشت پس از آخرین آیه‌ای است که آن را می‌خوانی.»

در حدیثی از امیر مؤمنان علی 7 نیز در اوصاف متقین چنین آمده است: «مَا اللَّيْلُ فَصَافُونَ اِقْدَامَهُمْ تَالِينَ لاجزاء القرآن یرتلونه ترتیلاً» (صدوق، الامالی، 667؛ حرّ عاملی، 172/6)؛ «متقین در حالی که در شب‌نگاهان در حال نماز هستند، اجزای قرآن را با ترتیل تلاوت می‌نمایند.» (در این زمینه رک به: کلینی، 602/2 و 617؛ حرّ عاملی، 216/6 و 602؛ نوری، 240/4 و 241؛ مجلسی، 44/82)

افزون بر توصیه به ترتیل تلاوت قرآن به طور مستقل، اهل بیت : به نمازگزاران نیز سفارش کرده‌اند که هنگام قرائت آیات قرآن در نماز، آن را با ترتیل تلاوت نمایند. از جمله در حدیثی امام صادق 7 فرمود: «ینبغی للعبد اذا صلی، ان یرتل فی قرائته» (طوسی، 124/2؛ حرّ عاملی، 69/6)؛ «شایسته است بنده هرگاه نماز می‌خواند، قرائت خود را با ترتیل تلاوت نماید.»

اصطلاحات و مفاهیم

قبل از پرداختن به معنا و مفهوم ترتیل از نگاه قرآن کریم، سنت و علم تجوید، لازم است برخی واژگان و اصطلاحات مربوط به موضوع همچون ترتیل، تجوید و نیز تحقیق، تحدیر و تدویر که با موضوع مورد بحث ارتباط وثیقی دارند، به اختصار تعریف شوند.

1. «ترتیل»: ترتیل از ریشه «رتل» گرفته شده که در لغت به معنای نظم و ترتیب، هماهنگ بودن و یا هماهنگی نیکوی چیزی آمده است (فراهیدی، 113/8؛ ابن منظور، 265/11). به همین جهت به دندان‌های منظم و دارای رویش یکسان، «ثغر رتل» گفته می‌شود. ترتیل در سخن نیز به معنای تألیف و چینش نیکوی کلام و فاصله انداختن میان هر یک از کلمات آن است.

در تعریف اصطلاحی آن چنین آمده است:

«ترتیل عبارت است از تأتی در قرائت و به‌جا آوردن حق اشباع حروف؛ بدون عجله

و سرعت در تلاوت.» (سمعی، 77/6)

تعاریف اصطلاحی دیگری نیز برای ترتیل بیان شده است که در بخش مفهوم ترتیل در علم تجوید به برخی از آنها اشاره می‌شود.

2. «تجوید»: تجوید از ریشه «جود» و در لغت به معنای نیکو و نیکو گردانیدن است (ابن منظور، 135/3؛ زبیدی، 404/4). در اصطلاح برای آن تعاریف مختلف و متعددی بیان شده است. در آغاز، تجوید علمی بسیط و دارای گستره‌ای محدود بوده است، ولی به مرور زمان، دامنه این علم گسترش پیدا نموده و قواعد و احکام بیشتری برای آن وضع گردیده است. بر این اساس، تعریف این علم، بر اساس دوره رواج و گستره آن

متفاوت بوده است. ابن جزری به نقل از پیشینیان، تجوید را این گونه تعریف کرده است:

«التجوید: عبارة عن اتیان بالقراءة مجودة الالفاظ، بريئة من الرداءة في النطق.» (ابن جزری، النشر فی قراءات العشر، 299/1)

«تجوید عبارت است از اینکه قاری الفاظ قرآن را نیکو قرائت کرده و از نطق پست و غیر نیکو اجتناب نماید.»

سپس خود در تعریف تجوید چنین آورده است:

«تجوید عبارت است از ادای حق حروف قرآن و حفظ ترتیب و مراتب آنها و بازگرداندن حروف به مخارج خود و پیوستن هر حرف به نظیر آن و تصحیح لفظ و با لطافت و نرمی بر زبان آوردن آنها با توجه به صیغه و هیأت هر کلمه، بدون هر گونه زیاده‌روی و تکلف.» (همان، 301. نیز رک به: پورفرزیب، 34)

3. «تحقیق»: تحقیق در لغت به معنای مبالغه در انجام چیزی بدون کمی و زیادی و یا رسیدن به حقیقت چیزی است (ابن فارس، 19/2؛ زبیدی، 87/13) و در اصطلاح دانش قرائت عبارت است از:

«به‌جا آوردن حق هر حرفی از اشباع مدها، تحقیق همزه‌ها، تمام و کمال آوردن حرکات، اظهار کامل حروف و تشدیدها، آوردن غنه‌ها، تفکیک حروف از یکدیگر و در نظر گرفتن محل وقف‌های مجاز.» (ابن جزری، النشر فی قراءات العشر، 294/1؛ فغانی، 74)

4. «تحدیر»: تحدیر یا حدر در لغت به معنای در سرایشی قرار گرفتن و سرعت پیدا کردن است (ابن منظور، 172/4) و در اصطلاح عبارت است از:

«سریع خواندن قرآن و تخفیف قواعد آن، مانند به قصر خواندن مدها، ساکن کردن حروف متحرک، اختلاس و ربودن مقداری از حرکت حروف، تخفیف همزه‌ها و خواندن آنها به تسهیل و ابدال و مانند آن.» (ابن جزری، النشر فی قراءات العشر، 295/1؛ فغانی، 75)

5. «تدویر»: تدویر در لغت به معنای گرد و مدور گردانیدن چیزی است (زبیدی، 423/6) و در اصطلاح، به معنای قرائت با سرعت متوسط است؛ یعنی قرائتی میان

تحقیق و حدرد و قاری، کلام خدا را با به‌کارگیری الحان عرب و آواهای آن در حد توان، نیکو قرائت کند. (علامی، 52؛ فغانی، 76)

مفهوم ترتیل در قرآن کریم

در دو آیه از آیات قرآن کریم، موضوع «ترتیل» به‌صراحت مطرح شده و مضمون آن در برخی آیات دیگر نیز آمده است. در یک آیه، قرآن کریم، ترتیل را در مورد خداوند متعال به کار برده و می‌فرماید: {وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً} (فرقان/32)

«و کسانی که کافر شدند، گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ این گونه بر تو نازل کردیم تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی و ترتیب بر تو خواندیم.»

کافران در مورد پیامبر اسلام ﷺ این شبهه را مطرح می‌کردند که چرا کتاب آسمانی او همچون تورات و انجیل و زبور که یکجا بر پیامبران گذشته نازل شده است، به‌صورت یکجا نازل نگردیده است که خداوند در این آیه در پاسخ به این شبهه می‌فرماید: ما قرآن را به‌صورت تدریجی نازل کردیم تا قلب پیامبر را استوار نماییم؛ زیرا وقتی پیامبری در همه دوران رسالت خود با منبع وحی ارتباط داشته باشد و آیات هر حادثه و موضوعی که اتفاق می‌افتد، به‌طور خاص بر او نازل گردد و پاسخ سؤالات مردم اعم از موافقان و منکران با نزول آیات الهی داده شود، این امور سبب قوت قلب فرستاده خدا و افزایش بصیرت او می‌گردد. (طبرسی، 295/7)

افزون بر این، قرآن کریم کتاب تعلیم و تعلم است، از این رو چنین کتاب تعلیمی که مربوط به عمل است، اگر به‌تدریج و مسأله به مسأله بر متعلمین خوانده شود، فایده بیشتری داشته و سبب ثبات بیشتر در نفس و استقرار و رسوخ کامل‌تر در قلب و ذهن می‌گردد (طباطبایی، 211/15)؛ چنان‌که قرآن کریم در آیه‌ای دیگر نیز به این معنا اشاره کرده و می‌فرماید: {وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا} (اسراء/106).

بر این اساس، بیشتر مفسران، «ترتیل» در آیه مذکور را به‌معنای نزول تدریجی و پی‌درپی آیات قرآن، همراه با تأنی و درنگ در مدت بیست‌وسه سال دانسته‌اند (طبرسی، 295/7؛ فخر رازی، 79/24). علامه طباطبایی افزون بر ذکر این معنا، می‌فرماید:

«جمله «وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» از یک شبهه و سؤال مقدر نیز پاسخ می‌دهد و آن شبهه این

است که برخی ممکن است بگویند نزول تدریجی موضوع و متن تعلیمی و القای با تأنی و تأخیر آن بر متعلم، به غرض تعلیم صدمه وارد کرده و آثار آن را از بین می‌برد؛ زیرا با آمدن آیات و متون لاحق، آثار آیات و متون سابق از بین رفته و همت و عزم متعلم نسبت به حفظ این آثار از هم گسسته می‌گردد. ولی خداوند با نزول جمله مذکور، از این شبهه پاسخ داده و می‌فرماید: ما هرچند آیات قرآن را به تدریج و در طول بیست‌وسه سال نازل کردیم، ولی نزول این آیات به صورت ترتیل و پی‌درپی بوده، به گونه‌ای که رابطه میان آیات قرآن محفوظ و آثار هر بخش حفظ گردیده است. بنابراین این روش به غرض تعلیم ضربه‌ای وارد نمی‌کند.» (طباطبایی، 211/15)

صاحب تفسیر کشاف علاوه بر اشاره به معنای مذکور می‌نویسد:

«احتمال دارد معنای ترتیل در آیه 32 فرقان آن باشد که ما مؤمنان را امر به تلاوت قرآن با ترتیل کردیم.» (زمخشری، 91/3)

که در این صورت، ترتیل مربوط به عمل انسان‌ها بوده و اشاره به معنای ترتیل در آیه 4 مزمل خواهد داشت.

آیه دیگر مربوط به این موضوع، آیه 4 سوره مزمل است که خداوند پس از سفارش به پیامبر اسلام 6 در مورد تهجد و اقامه نماز شب، آن حضرت را مأمور به تلاوت قرآن با ترتیل کرده و می‌فرماید: {يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا} (مزمل/1-4).

مخاطب اولیه در این آیه هر چند پیامبر اسلام 6 است، ولی مقصود از حکم تلاوت با ترتیل در آیه، عموم مسلمانان هستند (مغنیه، 446/7). در مورد معنای ترتیل در این آیه، دیدگاه‌های متعددی بیان شده است که عمده‌ترین آنها به شرح زیر است.

1- بیشتر مفسران با توجه به معنای لغوی ترتیل، مراد از «وَرَتِّلِ» در آیه مذکور را آهسته خواندن قرآن و پرهیز از عجله و سرعت در قرائت دانسته‌اند. از جمله سمعانی در این باره می‌نویسد:

«حقیقة الترتیل هو الترسّل فی القراءة والقاء الحروف حقّها من الاشباع بلا عجل ولا هزيمة.» (سمعانی، 77/6)

«حقیقت ترتیل، تأتی و درنگ در قرائت است و اینکه حروف قرآن با اشباع و بدون عجله و سرعت ادا شود.»

بسیاری از مفسران دیگر نیز تفسیری همانند این معنا برای ترتیل ذکر کرده‌اند که برخی از این معانی عبارت است از: قرآن را به آهستگی قرائت نماید، سه آیه یا چهار آیه و یا پنج آیه (طبرسی، 162/10)، قرآن را با تأتی و مهلت و آشکار کردن حروف تلاوت کند؛ به‌گونه‌ای که برای شنونده قابل شمارش باشد (بیضاوی، 405/5؛ آلوسی، 104/29)، در هنگام تلاوت، جمیع حروف و کلمات را به‌طور صحیح و آشکار بیان نماید و حق این حروف را به‌جا آورد (فخر رازی، 173/30)، حروف و کلمات قرآن را پی‌درپی و پشت سر هم بیان نماید و میان آنها زیاد فاصله نیندازد، به‌گونه‌ای که نتواند آنها را جمع نماید، بلکه شایسته است اعتدال و میانه‌روی را در تلاوت رعایت نماید. (فیض کاشانی، 71/1)

2- در مقابل برخی از مفسران با توجه به روایات، معنای ترتیل در آیه را منحصر در توجه به جنبه لفظی و ظاهری قرآن ندانسته، بلکه تدبر در محتوا و معانی آیات را نیز در تحقق این معنا دخیل دانسته‌اند. بر این اساس، برخی از مفسران در این باره می‌نویسند:

«مراد از ترتیل در آیه آن است که قاری در لطائف خطاب‌های الهی تدبر نماید و نفس خود را به پذیرش احکام قرآن و قلب خود را به فهم معانی این کتاب الهی و ضمیر خود را به اقبال به آن راضی و وادار نماید.» (قرطبی، 38/19؛ ثعلبی، 60/10)

مفسری دیگر در این باره آورده است:

«ترتیل آن است که قرآن را شمرده‌شمرده، کلمه به کلمه، جمله به جمله، آیه به آیه، با تأمل و تدبر در معانی و با حال حزن بخواند و در آیات جنت طلب آن کند و در آیات نار استعاذه کند و قلوب قاسیه را قرع و متنبه کند و با صدای بلند که فریاد باشد، قرائت نکند و در هر آیه حق آن را ادا کند.» (طیب، 247/13. نیز رک به:

زرکشی، 449-452/1)

3- نظریه دیگر که آن هم برگرفته از روایات است، آن است که ترتیل در آیه به معنای تلاوت با صدای نیکو همراه با رعایت قواعد تجوید است. برخی از مفسران در این باره نوشته‌اند:

«معنای جمله «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً» آن است که قرآن را با صوت زیبا و با خشوع و تدبر و با التزام کامل به قرائت صحیح قرائت نماید و مخارج حروف را از جهت وقف و مد و اظهار و اخفاء و موارد دیگر مربوط به این امر رعایت نماید.» (طنطاوی، 15/155)

طبرسی و برخی دیگر از مفسران نیز به نقل از قطرب آورده‌اند:
«والمراد به تحزین القرآن، ای اقرأه بصوت حزين و يعضده ما رواه ابو بصير عن ابي عبدالله 7 في هذا، قال: هو ان تتمكث فيه و تحسن به صوتك.» (طبرسی، 10/162؛ کاشانی، 7/223)

«مراد از ترتیل، با حزن خواندن قرآن است؛ یعنی اینکه قرآن را با صدای غمناک بخوان و روایت ابوبصیر از امام صادق 7 این معنا را تأیید می‌کند که فرمود: ترتیل آن است که در تلاوت قرآن مکث نمایی و قرآن را با صدای نیکو تلاوت کنی.»

4- برخی نیز ترتیل را به تلاوت قرآن به ترتیب قرار گرفتن آیات در قرآن دانسته‌اند. زرکشی به نقل از برخی مفسران در این باره آورده است:

«(وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً) ای اقرأه علی هذا الترتیب من غیر تقدیم و تاخیر و جاء النکیر علی من قراه معکوساً.» (زرکشی، 1/259)

«معنای اینکه خداوند می‌فرماید: «قرآن را با ترتیل تلاوت کن»، آن است که آن را به همین ترتیب موجود و بدون تقدیم و تأخیر آیات قرائت کن؛ زیرا از تلاوت قرآن بر خلاف این ترتیب نهی شده است.»

محقق اردبیلی نیز به نقل از برخی آورده است:

«فیل: هو ان یقرأه علی نظمه و توالیه و لایغیر لفظاً و لایقدم موخراً» (محقق اردبیلی، 99)
«گفته شده: معنای ترتیل آن است که قاری، قرآن را بر اساس نظم و ترتیب آیات تلاوت کند و لفظی را تغییر ندهد و آنچه مؤخر شده را مقدم نکند.»

نقد و ارزیابی دیدگاه‌ها

از میان معانی ذکر شده، معنای اخیر غیر قابل پذیرش است؛ زیرا دلیل و قرینه‌ای این معنا را تأیید نمی‌کند. علاوه بر این، تلاوت قرآن بر خلاف ترتیب موجود منعی

ندارد؛ زیرا قاری می‌تواند نخست سوره‌ای را قرائت کند و سپس سوره‌ای را که قبل از آن قرار دارد، تلاوت نماید و یا نخست آیه‌ای را قرائت کند و سپس به تلاوت آیه یا آیات قبل آن اقدام نماید؛ مگر اینکه مراد از تلاوت قرآن بر اساس ترتیب موجود، تغییر ندادن الفاظ قرآن و مقدم و مؤخر نکردن آنها باشد، چنان‌که این معنا از کلام محقق اردبیلی در معنای ترتیل استفاده می‌شود. اما این تفسیر از ترتیل نیز صحیح نیست؛ زیرا دلیل و قرینه‌ای اعم از لغت و یا روایات این معنا را تأیید نمی‌کند.

برای معنای سوم نیز دلیل متقنی از لغت و یا روایات وجود ندارد که در بحث روایی، با تفصیل بیشتر به تبیین این دو معنا و نقد آنها پرداخته می‌شود. اما معنای اول و دوم ذکر شده برای ترتیل قابل پذیرش است و علاوه بر لغت، آیاتی از قرآن و روایات متعدد نیز این معانی را تأیید می‌کند که در ادامه بحث، به روایات مربوط به این موضوع پرداخته می‌شود.

مفهوم ترتیل در سنت

روایات متعددی از پیامبر و اهل بیت : در مورد قرائت قرآن با ترتیل نقل گردیده است که بخش زیادی از این روایات به معنا و مفهوم ترتیل اشاره دارد. از بررسی مجموع این روایات به دست می‌آید که ترتیل در روایات در چهار معنا و مفهوم به کار رفته است که این معانی عبارتند از:

1. صوت نیکو و حزین

یکی از معانی ترتیل در روایات، قرائت قرآن با صوت نیکو و حزین است. در تأیید این معنا، به روایتی از امام صادق 7 استناد شده که چنین آمده است: «عن ابی عبدالله فی قوله تعالی «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» قال: هو ان تتمکث فیہ و تحسن به صوتک» (حرّ عاملی، 207/6؛ مجلسی، 8/82)؛ «امام صادق 7 در مورد معنای ترتیل در آیه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» فرمود: مراد آن است که در قرائت قرآن، مکث و درنگ کنی و صدایت را نیکو گردانی.»

برخی از محدثان و عالمان شیعه و اهل سنت بر اساس روایت مذکور و روایاتی دیگر، معنای ترتیل را قرائت قرآن با صوت نیکو و حزین دانسته‌اند و یا این معنا را یکی از معانی ترتیل شمرده‌اند. چنان‌که پیش از این از صاحب مجمع البیان نقل شد. (طبرسی، 162/10)

مرحوم کلینی نیز در کتاب «لکافی» بابی را با عنوان «ترتیل القرآن بالصوت الحسن» آورده و در ذیل آن، برخی روایات مربوط به تلاوت قرآن را با صدای نیکو ذکر کرده که نقل این روایات نشانگر آن است که وی یکی از معانی ترتیل را تلاوت قرآن با صوت نیکو می‌داند. از جمله این روایات عبارت است از: «عن ابی عبدالله 7: ان القرآن نزل بالحزن، فاقروه بالحزن» (کلینی، 614/2)؛ «امام صادق 7 فرمود: قرآن با حزن نازل شده است. پس آن را با حزن تلاوت کنید.»

و در روایتی دیگر آورده است: «عن ابی عبدالله 7، قال: قال النبی 6: لكل شیء حلیة و حلیة القرآن الصوت الحسن» (همان، 615)؛ «امام صادق 7 فرمود: پیامبر 6 فرمود: برای هر چیزی زینتی است و زینت قرآن، صدای نیکوست.»

سجستانی صاحب یکی از کتب صحاح سته اهل سنت نیز در کتاب خود، بابی با عنوان «باب الترتیل» آورده و در ذیل آن، علاوه بر اشاره به برخی روایات ترتیل، روایات مربوط به نیکو تلاوت کردن قرآن را نیز ذکر کرده است که از جمله آنها این روایت است: «قال رسول الله 6: زینوا القرآن باصواتکم» (سجستانی، 330/1)؛ «قرآن را با صدایتان زینت دهید.»

نقد دیدگاه

در نقد این دیدگاه باید گفت تفسیر ترتیل به قرائت قرآن با صدای نیکو یا حزین نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا این تفسیر تنها در یک روایت نقل شده است و روایت مذکور نیز روایتی بدون سند است که منبع اصلی آن، تفسیر «مجمع البیان» است و به جز این تفسیر و منابعی که از این تفسیر نقل کرده‌اند، این روایت در هیچ یک از منابع روایی معتبر - از جمله کتاب «لکافی» که بابی مستقل را به این موضوع اختصاص داده - نقل نشده است. افزون بر این، برخی فقیهان که این روایت را در بحث ترتیل مطرح

کرده‌اند، آن را روایتی ضعیف و غیر قابل استناد شمرده‌اند. از جمله صاحب جواهر پس از نقل روایت می‌نویسد:

«در این روایت اشکالاتی وجود دارد که بر اهل فن مخفی نیست.» (نجفی، 394/9)

محقق نراقی نیز در کتاب «مستند الشیعه» در بحث معنای ترتیل آورده است:

«و تحسین الصوت كما في رواية ضعيفة فسره فيها بان تمكث فيه و تحسن به صوتک.» (محقق نراقی، 177/5)

«یکی از معانی ترتیل، نیکو گرداندن صداست، چنان‌که در روایتی ضعیف، ترتیل به این معنا تفسیر شده و آمده است: ترتیل آن است که در تلاوت قرآن درنگ کرده و صدایت را نیکو گردانی.»

بنابراین نتیجه‌ای که از این مطالب به دست می‌آید، آن است که معنای تلاوت قرآن با ترتیل، تلاوت آن با صدای نیکو و یا حزین نیست؛ زیرا دلیل متقنی برای اثبات این معنا وجود ندارد و اینکه تلاوت قرآن با صدای نیکو و حزین جایز و بلکه مستحب است، این امر به جهت صدور روایات دیگری از پیامبر و اهل بیت : در این باره است، نه اینکه معنای ترتیل، تلاوت قرآن با صوت نیکو باشد.

2. رعایت قواعد علم تجوید و وقف و ابتدا

معنای دیگری که در روایات برای ترتیل ذکر شده، قرائت قرآن با رعایت قواعد و اصول علم تجوید است که در این باره، یک روایت از امیر مؤمنان علی 7 با تعبیرات متفاوت در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است. سیوطی از محدثان و مفسران اهل سنت در این باره آورده است:

«عن علی 7 فی قوله تعالی «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا»، قال: الترتیل، تجوید الحروف و معرفة الوقوف.» (سیوطی، 221/1)

«از علی 7 روایت شده است که در تفسیر آیه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» فرمود: ترتیل، نیکو بیان کردن حروف و شناخت مواضع وقوف قرآن است.»

مرحوم مجلسی نیز در بحار در این باره می‌نویسد:

«عن امیرالمومنین 7 انه حفظ الوقوف و اداء الحروف.» (مجلسی، 323/64 و 188/81)

«از امیر مؤمنان علی 7 روایت شده که آن حضرت فرمود: معنای ترتیل، حفظ وقف‌های قرآن و ادای حروف آن است.»

صاحب تفسیر صافی نیز این روایت را با اندکی تغییر در عبارت چنین آورده است: «آن امیرالمومنین 7 سئل عن ترتیل القرآن، فقال: هو حفظ الوقوف و بیان الحروف.» (فیض کاشانی، 71/1)

«از امیر مؤمنان 7 در مورد معنای ترتیل سؤال شد که آن حضرت فرمود: ترتیل به معنای حفظ محل وقف‌های قرآن و بیان حروف آن است.»

سپس ایشان از تفسیر این روایت به معنای رعایت قواعد تجوید یاد کرده و می‌نویسد: «و فسر الاول، بالوقف التام والحسن والثانی، بالاتیان بصفتها المعتمره من الجهر والهمس والاطباق والاستعلاء وغیرها.» (همان)

«حفظ الوقوف» در روایت، به وقف کامل و حسن تفسیر شده است و «بیان الحروف» در روایت به رعایت صفات حروف همچون جهر و اخفا و اطلاق و استعلاء و دیگر صفات و ویژگی‌های معتبر در حروف تفسیر شده است.»

بسیاری از عالمان و پژوهشگران دیگر علم تجوید نیز که به این روایت اشاره کرده‌اند، روایت مذکور را بر همین معنا حمل کرده‌اند که در ادامه و در بخش مفهوم ترتیل در علم تجوید، به برخی از اقوال دیگر مطرح در این باره اشاره می‌شود.

نقد دیدگاه

این برداشت و تفسیر از ترتیل نیز صحیح نیست؛ زیرا: اولاً: روایت مذکور روایت ضعیفی است که قابل استناد نمی‌باشد؛ زیرا این روایت فاقد سند است و هیچ یک از مؤلفینی که این روایت را در کتب خود ذکر کرده‌اند، سندی برای آن نیاورده‌اند. علاوه بر این، این روایت در هیچ یک از منابع اولیه و معتبر شیعه و اهل سنت نقل نشده است.

ثانیاً: روایت مذکور از جهت متن اضطراب دارد و در منابع ذکر شده با عبارات و تعبیرات مختلف و متفاوت نقل شده است که این امر نیز یکی از موارد ضعف یک روایت به‌شمار می‌رود.

ثالثاً: بر فرض صحت و قبول روایت، حدیث مذکور را نمی‌توان بر قواعد علم تجوید و رعایت این قواعد تفسیر نمود؛ زیرا علم تجوید و قواعد مطرح در آن از علوم و قواعدی است که در عصر امیرالمومنین **7** وجود نداشته است تا بتوان حدیث مذکور را بر این معنا حمل کرد، بلکه علم تجوید در عصرهای متأخر ابداع و رایج گشته و از علوم نوپیدا است. از این رو نمی‌توان این حدیث را بر این معنا حمل کرد. مؤید این ادعا، سخن برخی محدثان و فقیهان امامیه است که حمل روایت مذکور بر قواعد تجویدی را نفی کرده‌اند. از جمله این فقیهان و محدثان، علامه مجلسی است که نخست در مورد تفسیر این روایت می‌نویسد:

«روی الخاص و العام عن امیرالمومنین **7** و ابن عباس تفسیره بحفظ الوقوف و اداء الحروف و فی بعض الروایات و بیان الحروف، تمسک به اصحاب التجوید و فسّروه بهذا الوجه و تبعهم الشّهد و کثیر ممن تأخّر عنه و تبعوهم فی تفسیرهم الحدیث حیث فسّروه علی قواعدهم و مصطلحاتهم.» (مجلسی، 8/82)

«شیعه و اهل سنت از امیر مؤمنان علی **7** و ابن عباس نقل کرده‌اند که آنان ترتیل در آیه را به حفظ وقف‌های قرآن و ادای حروف آن تفسیر کرده‌اند و در برخی روایات، تعبیر بیان حروف به جای ادای حروف آمده است. عالمان علم تجوید به این روایت تمسک کرده و آن را حمل بر این معنا کرده‌اند و مرحوم شهید و بسیاری از فقیهان پس از وی نیز از آنان پیروی کردند و روایت مذکور را بر قواعد و اصطلاحات اهل تجوید تفسیر کردند.»

سپس ایشان به نقل از والد خود، به برخی از موارد وقف واجب یا مستحب از نظر عالمان علم تجوید اشاره کرده و سپس می‌نویسد:

«تلك الوقوف من مصطلحات المتأخرین و لم تكن فی زمان امیرالمومنین **7**، فلا يمكن حمل كلامه **7** عليه، الا ان يقال: غرضه **7** رعاية الوقف علی ما یحسن بحسب المعنی علی ما یفهمه القاری ولا ینافی هذا حدوث تلك الاصطلاحات بعده.» (همان، 9)

«وقف‌های ذکر شده از اصطلاحات ابداع شده از سوی متأخرین است و در زمان امام علی **7** وجود نداشته است. از این رو نمی‌توان کلام حضرت را بر این معنا حمل کرد، مگر غرض آن حضرت، رعایت کردن وقف در قرآن بر حسب معنا و آنچه

قاری از آیات قرآن می‌فهمد، باشد که در این صورت، این معنا با ابداع اصطلاحات تجویدی در عصرهای متأخر منافاتی نخواهد داشت.»

همچنین مرحوم صاحب جواهر در مورد برداشت این معنا از روایت مذکور و نیز ضعف این روایت می‌نویسد:

«دلیلی بر این مدعا که مراد از ترتیل، وقف تام و حسن باشد، وجود ندارد؛ زیرا وقف‌های مذکور از اصطلاحات نوپیدا در عصرهای متأخر است. از این رو نمی‌توان آن را از روایت امیر مؤمنان علی 7 که ترتیل در آن به حفظ وقف‌ها و ادای حروف تفسیر شده، برداشت نمود. ضمن اینکه برداشت این معنا از حدیث مذکور نیز منوط به آن است که این حدیث، روایت صحیحی باشد؛ در حالی که صحت این حدیث اثبات نشده است، چنان‌که صاحب حدائق در مورد این روایت می‌نویسد: من اثری از این حدیث در منابع حدیثی نیافتم و ممکن است این حدیث از طریق اهل سنت نقل شده باشد که فقیهان امامیه آن را از منابع آنان استقراض نموده و در این موضوع به کار برده‌اند.» (نجفی، 396/9)

بنابراین این معنا از ترتیل نیز از روایات منقول از معصومین : قابل اثبات نیست.

3. تلاوت صحیح قرآن همراه با تأنی و شمرده شمرده

معنای سوم که از روایات منقول از پیامبر و اهل بیت : در مورد ترتیل بیان شده، رعایت جنبه‌های لفظی و ظاهری هنگام تلاوت است؛ مانند اینکه قاری، حروف و جملات قرآن را به‌طور صحیح بیان و آشکار نماید و قرآن را با تأنی و آرامش و شمرده شمرده تلاوت کند و از شتاب و عجله کردن در تلاوت و ختم سریع قرآن پرهیز نماید. در روایتی از رسول خدا 6 در مورد معنای ترتیل در آیه {وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا} سؤال شد که پیامبر در پاسخ فرمود: «تَبَّیْهَ تَبَّیْهًا، لا تَنْثَرُه نثر الرمل ولا تَهْدَه هذَّ الشعر» (نوری، 269/4)؛ «حروف و کلمات قرآن را مستقر و تثبیت نما و آنها را همچون رمل پراکنده نکن و مانند قرائت شعر نیز سریع نخوان.»

در حدیثی از امام علی 7 در پاسخ به همین سؤال چنین آمده است: «یَبَّیْهَ تَبَّیْهًا و لا تَهْدَه هذَّ الشعر و لا تَنْثَرُه نثر الرمل... و لا یکن همَّ احدکم آخر السوره» (کلینی، 614/2)؛

«حروف و کلمات قرآن را بیان کن و آن را همچون خواندن شعر، سریع نخوان و یا مانند پراکنده کردن رمل، پراکنده نکن و هدف هر یک از شما در تلاوت قرآن، رسیدن به پایان سوره نباشد.»

تثبیت و تبیین قرآن که در دو روایت ذکر شده، به معنای آن است که قاری هر یک از حروف و کلمات قرآن را به صورت صحیح و از مخرج خود ادا کرده و آنها را به طور آشکار بیان کند، به گونه‌ای که هم حروف و کلمات در جایگاه خود مستقر و ثابت گردد، و هم از جهت آشکار بودن، برای خود و شنونده قابل فهم باشد که این امر با تلاوت قرآن با تأنی و شمرده شمرده محقق می‌شود. این مضمون در روایات متعدد دیگری از پیامبر و اهل بیت : آمده است. از جمله در حدیثی، ام سلمه در مورد چگونگی قرائت رسول خدا ﷺ می‌گوید: «ان النبی کان یقطع قراءته آیه آیه. بسم الله الرحمن الرحیم، ثم یقف، الحمد لله رب العالمین، ثم یقف، الرحمن الرحیم، ثم یقف، مالک یوم الدین» (حاکم نیشابوری، 232/2؛ بیهقی، 44/2)؛ «پیامبر ﷺ قرائتش را آیه به آیه قطع می‌کرد. به این صورت که «بسم الله الرحمن الرحیم» را می‌گفت و سپس توقف می‌کرد، سپس «الحمد لله رب العالمین» را قرائت می‌کرد و توقف می‌نمود و سپس «الرحمن الرحیم» را تلاوت می‌کرد و توقف می‌نمود و سپس «مالک یوم الدین» را قرائت می‌نمود.» (در این زمینه رک به: سجستانی، 330/1؛ کلینی، 617/1)

4. رعایت جنبه‌های معنایی و مفهومی آیات

بخش دیگر معنای ترتیل در روایات که می‌توان آن را معنا و مفاد اصلی و حقیقی ترتیل قرآن به‌شمار آورد، آن است که قاری افزون بر رعایت جنبه لفظی و ظاهری آیات، به جنبه‌های معنایی و مفهومی آنها نیز توجه داشته باشد که تحقق این امر به روش‌های مختلف توصیه شده است؛ از جمله:

در مرتبه نخست، قاری قرآن خود را مخاطب خاص و مستقیم آیات الهی به‌شمار آورد، به گونه‌ای که گویا این آیات بر او نازل شده است. از این رو هنگام تلاوت قرآن، شایسته است به خطابات الهی در آیات و سوره‌های قرآن پاسخ مثبت دهد. در روایتی از امام صادق 7 آمده است: «ینبغی للعبد... ان یرتل فی قراءته ... و اذا مرّ بیا ایها الناس

و یا ایها الذین آمنوا یقول: لبیک» (طوسی، 124/2؛ حر عاملی، 69/6)؛ «شایسته است که بنده، قرآن را با ترتیل تلاوت نماید. از این رو هر گاه به خطاب‌های «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» رسید، با جمله «لبیک»، به خطاب الهی پاسخ دهد.»

افزون بر این، در روایات متعدد دیگر از تأیید محتوای آیات با جملاتی خاص نیز سخن به میان آمده است. از جمله در مورد سیره امام رضا 7 هنگام تلاوت قرآن چنین آمده است: «امام رضا 7 هرگاه سوره «قل هو الله احد» را قرائت می‌کرد، آهسته می‌گفت: «الله احد» و هرگاه از تلاوت آن فارغ می‌شد، سه بار جمله «كذلك الله ربنا» را بر زبان جاری می‌نمود و هرگاه سوره «جحد» را تلاوت می‌کرد، آهسته می‌گفت: «یا ایها الکافرون» و هرگاه از تلاوت آن فارغ می‌گردید، سه مرتبه جمله «ربّی الله و دینی الاسلام» را بر زبان جاری می‌کرد و هرگاه تلاوت سوره «والتین والزیتون» پایان می‌پذیرفت، جمله «بلی و انا من الشاهدین» را بر زبان جاری می‌کرد ... و هرگاه سوره «اعلی» را تلاوت می‌کرد، آهسته می‌گفت: «سبحان ربی الاعلی» و هرگاه در تلاوت خود به جملات «یا ایها الذین آمنوا» می‌رسید، آهسته می‌گفت: «لبیک اللهم لبیک.» (صدوق، عیون اخبار الرضا، 196/2؛ حر عاملی، 73/6)

مرتبه دیگر ترتیل معنوی، سؤال و طلب نعمت از خداوند هنگام تلاوت آیات نعمت و استعاذه و طلب نجات از عذاب هنگام تلاوت آیات عذاب است که در روایات متعدد به آن اشاره شده است. از جمله در روایتی از امام صادق 7 آمده است: «انّ القرآن لا یقرأ هذرمة، ولیکن یرتل ترتیلا، فاذا مررت بأیة فیها ذکر الجنة فقف عندها واسئل الله عزوجل الجنة، و اذا مررت بأیة فیها ذکر النار فقف عندها و تعوّد بالله من النار» (کلینی، 617/2)؛ «قرآن سریع خوانده نمی‌شود، بلکه با ترتیل تلاوت می‌گردد. پس هرگاه به آیه‌ای رسیدی که در آن از بهشت یاد شده بود، توقف کن و از خداوند بهشت را طلب کن و هرگاه به آیه‌ای رسیدی که از آتش یاد شده بود، توقف کن و از آتش به خداوند پناه ببر.» (در این زمینه رک به: حر عاملی، 69/6؛ نیشابوری، 186/2؛ نسائی، 226/3)

از دیگر مصادیق و ارکان ترتیل، تدبر و تفکر در آیات قرآن و عمل به مضمون این آیات است. امام صادق 7 در این باره می‌فرماید: «فانظر کیف تقرأ کتاب ربک و منشور ولایتک و کیف تجیب اوامرہ و تجتنب نواهیہ و کیف تتمثل حدودہ، فانه کتاب عزیز {لنا

يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ {، فَرْتَلَهُ تَرْتِيلاً، فقف عند وعده و عیده، و تفکر فی امثاله و مواضعه، واحذر ان تقع من اقامتک حروفه فی اضاعة حدوده» (نوری، 240/4؛ مجلسی، 44/82)؛ «پس بنگر که چگونه کتاب پروردگارت و منشور ولایت را قرائت می‌کنی و چگونه اوامر آن را اجابت کرده و از نواهی آن اجتناب می‌نمایی و چگونه حدود آن را امتثال می‌کنی؟ زیرا این قرآن، کتاب خداوند عزیز است که «باطل از پیش رو و پشت سر به آن راه ندارد، از سوی حکیمی ستوده نازل شده است». پس آن را با ترتیل تلاوت نما و در مواضع وعده و وعید آن توقف کن و بهره‌یز از اینکه اقامه حروف آن (و آداب ظاهری) سبب تضییع حدود و احکام آن گردد.»

بر این اساس، در احادیثی دیگر از پیامبر و امامان معصوم : نقل شده است که فرموده‌اند: «لا خیر فی عبادۃ لا فقه فیها و لا خیر فی قراءۃ لا تدبر فیها» (کلینی، 36/1؛ نوری، 242/4)؛ «در عبادتی که فهم و معرفت نباشد، خیری نیست و نیز در قرائتی که تدبر نباشد، خیری نیست.»

مرتبۀ دیگر ترتیل مورد نظر که شاید بتوان آن را بالاترین مرتبۀ و مرحلۀ این روش تلاوت قرآن به‌شمار آورد، آن است که قاری از مرحلۀ تدبر و فهم گذر کرده و از آیات قرآن تأثیر و تأثر پذیرد؛ یعنی از آیات عذاب، احساس ترس و اضطراب درونی پیدا کرده و حالت خوف و گریه بر او غالب گردد، و از آیات رحمت و پاداش، به طمع افتاده و نفس او برای رسیدن به نعمت‌های مذکور به پرواز درآید. امام علی 7 در روایتی در مورد اوصاف متقین هنگام تلاوت قرآن می‌فرماید: «فالمتمقون... تالین لاجزاء القرآن یرتلونه ترتیلاً، یحزونون به انفسهم و یستبشرون به، تهیج احزانهم بکاء علی ذنوبهم و وجع کلومهم جراحهم، فاذا مروا بآیة فیها تخویف اصغوا الیها مسامع قلوبهم و ابصارهم، فاقشعرت منها جلودهم و وجلت قلوبهم، فظنوا ان صهیل جهنم و زفیرها و شهیقها فی اصول آذانهم، و اذا مروا بآیة فیها تشویق رکنوا الیها طمعا و تطلعت انفسهم شوقا و ظنوا انها نصب اعینهم.» (صدوق، صفات الشیعه، 21؛ حرّ عاملی، 172/6)

«متقین کسانی‌اند که اجزای قرآن کریم را با ترتیل تلاوت می‌کنند. با تلاوت قرآن محزون و گاه مسرور می‌گردند. غم‌هایشان به سبب گناهانشان و درد جراحات‌های

درونشان به هیجان درمی‌آید. پس هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که در آن تخویفی وجود دارد، گوش‌های دل‌ها و چشمانشان را برای شنیدن آن می‌کشایند، پوست بدنشان به لرزه درمی‌آید و دل‌هایشان به اضطراب و دلهره می‌افتد. پس گمان می‌نمایند که نعره جهنم و دم و بازدم آن در درون گوش‌هایشان قرار دارد. و هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که در آن تشویقی وجود دارد، با علاقه فراوان به آن روی آورده و جان‌هایشان به سوی آن پر می‌کشد و گمان می‌کنند که این نعمت‌ها در مقابل چشمانشان قرار دارد.»

امام زین العابدین **7** نیز در یکی از دعاهای خود، خوف از خداوند را هنگام تلاوت با ترتیل از خداوند طلب کرده و می‌فرماید: «اللهم ارزقنا حلاوة فی تلاوته و نشاطا فی قیامه و وجلا فی ترتیله» (کلینی، 574/2)؛ «خدایا! شیرینی در تلاوت و نشاط در اقامه دستورات و خوف در ترتیل قرآن را به ما عنایت کن.»

همچنین در روایات متعدد دیگر، از داشتن حالت گریه و خوف از خداوند در سیره اولیای الهی هنگام تلاوت قرآن یاد شده است. از جمله در روایتی نقل شده است که شخصی از پیری زودرس پیامبر **6** سؤال کرد که آن حضرت در پاسخ فرمود: «سوره‌های هود و واقعه و مرسلات و عمّ یتسائلون مرا پیر کرد» (حرّ عاملی، 172/6). و یا در روایتی از سیره امام رضا **7** نقل شده که آن حضرت هنگام تلاوت قرآن، هرگاه به آیه‌ای می‌رسید که از بهشت یا جهنم سخن به میان آورده، گریه می‌کرد و بهشت را از خدا طلب می‌نمود و از آتش جهنم به خدا پناه می‌برد. (حرّ عاملی، 217/6؛ نوری، 238/4)

جمع‌بندی

از میان معانی ذکر شده برای ترتیل، معنای نخست قابل پذیرش نیست؛ زیرا دلیل معتبری که این معنا را اثبات نماید، وجود ندارد. معنای دوم، یعنی قواعد تجویدی نیز از روایات به‌طور کامل و جامع قابل برداشت نیست؛ زیرا روایتی که برای اثبات این معنا به آن استناد شده، هم از جهت سند و هم از جهت دلالت ضعیف است؛ مگر آن بخش از قواعد تجویدی که در تحقق معنای سوم و چهارم دخیل است که این بخش از قواعد تجویدی را می‌توان بر اساس روایات دیگر پذیرفت. اما معانی سوم و چهارم

قابل قبول است؛ زیرا علاوه بر تأیید برخی این معانی در روایات متعدد و صحیح، لغت و آیات قرآن نیز مؤید این معانی است.

مفهوم ترتیل در علم تجوید

در مورد اینکه مفهوم «ترتیل» در علم تجوید چیست، تعریف‌های مختلف و متعددی از سوی عالمان و پژوهشگران این فن بیان شده است که می‌توان این تعاریف را در چند تعریف زیر خلاصه کرد.

1- برخی ترتیل را یکی از روش‌های قرائت قرآن در کنار سه روش تحقیق، تحدیر و تدویر دانسته و در تعریف آن چنین گفته‌اند:

«ای تلبث فی قراءته و افضل الحرف من الحرف الذی بعده و لا تستعجل فتدخل بعض

الحروف فی بعض.» (ابن جزری، التمهید فی علم التجوید، 49)

«ترتیل آن است که در قرائت خود درنگ کنی و حروف قرآن را از حرفی که پس از آن

می‌آید، جدا نمایی و در قرائت قرآن عجله نکنی، به‌گونه‌ای که بعضی از حروف قرآن را

داخل بعضی دیگر نمایی.»

2- برخی ترتیل را با تدویر یکی دانسته و پس از بیان معنای تدویر گفته‌اند: «در

میان مردم این شیوه قرائت (تدویر) به ترتیل معروف است» و سپس به چند روایت از

پیامبر و امامان معصوم : و نیز اقوال برخی عالمان در معنای ترتیل اشاره کرده و در

ادامه در معنای ترتیل چنین می‌گویند:

«از مجموع اقوال فوق به دست می‌آید که ترتیل، درست و صحیح ادا کردن حروف

و با تأنی خواندن آن و توجه به معانی آنهاست.» (فغانی، 77)

3- عده‌ای ترتیل را روش صحیح خواندن قرآن دانسته‌اند و سه روش دیگر را

زیرمجموعه ترتیل شمرده و گفته‌اند:

«برای تلاوت صحیح قرآن یک روش بیشتر موجود نیست و آن ترتیل است، ولی این

روش بر اساس هدف قاری از تلاوت قرآن، صورت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد.

گاهی هدف قاری از قرائت، تعلیم و آموزش است که به آن قرائت «تحقیق» می‌گویند.

اگر با تحسین و زیبا گردانیدن لفظ و صدا همراه باشد، به آن «تدویر» گفته می‌شود و

زمانی که تالی قرآن هدفش ختم قرآن و تلاوت آیات بیشتری از کلام الله مجید باشد، از روش «حدر» یا «تحدیر» سود می‌جوید.» (علامی، 49)

4- برخی گستره مفهومی ترتیل را فراتر از این دانسته و علاوه بر شمول ترتیل به روش‌های سه‌گانه مذکور، تلاوت قرآن با صدای نیکو و رعایت برخی قواعد تجویدی را نیز داخل در معنای ترتیل شمرده و می‌نویسند:

«الترتیل لفظ یعمّ تحسین اللفظ و الصوت بالتلاوة بحسب الاستطاعة كما یعمّ مراعات الوقف والالتفاف بتدبر المعانی و یعمّ تلاوة القرآن الکریم بلحون العرب و اصواتها كما یعمّ کلام من مراتب التلاوة: التحقیق والحدر والتدویر.» (شیخ عثمان، 93)

«ترتیل لفظی است که شامل نیکو کردن لفظ و صدا در تلاوت قرآن در حد توان قاری می‌شود؛ چنان‌که رعایت وقف، تدبر در معانی آیات و تلاوت قرآن با آواها و اصوات عرب را نیز شامل می‌شود؛ همچنان‌که سه روش تلاوت، یعنی تحقیق، حدر و تدویر را نیز دربر می‌گیرد.»

5- در مقابل، بیشتر عالمان و محققان علم تجوید، ترتیل را اصطلاحی مترادف با تجوید و یا تلاوت قرآن با رعایت قواعد تجوید دانسته‌اند. از جمله یکی از مؤلفان در این باره می‌نویسد:

«الترتیل هو قراءة القرآن بترسّل و اعطاء كل حرف حقه من اشباع المدّ و توفیة الغنات و تبیین الحروف فهو والتجوید بمعنی واحد.» (توفیق صباغ، 39)

«ترتیل عبارت است از قرائت قرآن با تأنّی و شمرده شمرده و اینکه حق هر یک از حروف، همچون اشباع مدها و مراعات غنه‌ها و بیان و آشکار کردن حروف را ادا نماید. بنابراین ترتیل با تجوید به یک معنا هستند.»

دیگری در این باره آورده است:

«الترتیل: هو القراءة بطمأنينة مع مراعاة احکام التجوید.» (خویطر، 70)

«ترتیل به قرائت با تأنّی و آرامش همراه با رعایت احکام تجوید گفته می‌شود.»

برخی از همین معانی و برداشت‌های ذکر شده از ترتیل در علم تجوید، به اذهان عموم مسلمانان نیز سرایت کرده و آنان ترتیل را منحصر در قرائت قرآن با اندکی تأنّی و صوت نیکو می‌دانند و در پرسش از تعیین مصادیق ترتیل، از قرائت اساتید معروف

تلاوت در زمان معاصر یاد می‌کنند که این ذهنیت عموم برخلاف معنای حقیقی ترتیل است که در آیات قرآن و روایات بر آن تأکید شده است.

نقد دیدگاه‌ها

در نقد معانی ذکر شده برای ترتیل در علم تجوید می‌گوییم: معانی اول و دوم ذکر شده برای این موضوع هر چند نزدیک به معنای ترتیل از نگاه قرآن و روایات است، ولی نمی‌تواند بیانگر مفهوم حقیقی و جامع این موضوع باشد؛ زیرا افزون بر قیده‌های ذکر شده در این تعاریف، قیده‌های دیگری همچون تأیید مضمون برخی آیات هنگام تلاوت، تسبیح الهی پس از قرائت آیات تسبیح، طلب نعمت و دفع نعمت هنگام تلاوت آیات نعمت و عذاب و قیودی دیگر نیز در احادیث تفسیری اهل بیت : برای ترتیل ذکر شده است که این قیود در تعاریف مذکور نیامده است.

تعریف سوم که در آن ترتیل، جامع سه روش تحقیق، حدر و تدویر دانسته شده نیز تعریف صحیح و جامعی نیست؛ زیرا از یک سو روش تحقیق در مقابل روش حدر قرار دارد و نمی‌شود معنایی دو روش متضاد و مقابل یکدیگر را جمع نماید. علاوه بر این، چنان‌که از آیات قرآن و روایات استفاده شد، ترتیل، تلاوت قرآن با روش تأنی و تدبیر در معانی آیات و رعایت برخی قیود دیگر است و تحقق این معنا با همه قیود آن با روش حدر که تلاوت قرآن با سرعت است، سازگاری ندارد.

تعریف چهارم نیز تعریف صحیحی نیست؛ زیرا در این تعریف، تلاوت قرآن با صوت نیکو و الحان عرب جزء معنای ترتیل شمرده شده و دلیلی بر اثبات این امر اعم از لغت یا آیات و روایات وجود ندارد. روایتی که از امیر مؤمنان علی 7 در این باره نقل شده و مستند عالمان علم تجوید برای اثبات این معنا قرار گرفته نیز روایت ضعیف و بی‌سندی است که نمی‌تواند این مدعا را اثبات نماید. علاوه بر این، لازمه این رأی آن است که افراد محروم از صدای نیکو نتوانند قرآن را با ترتیل تلاوت نمایند؛ درحالی‌که خداوند در قرآن کریم، همگان را به تلاوت این کتاب الهی با روش ترتیل فرمان داده است.

تعاریف اخیر و رایج در علم تجوید که در آنها ترتیل مترادف با تجوید و یا به معنای تلاوت قرآن با رعایت قواعد تجوید دانسته شده است نیز به دلایل متعدد، غیر قابل قبول است، بدان سبب که:

اولاً: همان گونه که در سخن برخی از پیروان این دیدگاه تصریح شده، مستند این افراد در تفسیر ترتیل به این معنا، روایتی است که بیشتر از امام علی 7 نقل شده و گاه این روایت منسوب به رسول خدا 6 و یا ابن عباس شده است که در رد این حدیث باید بگوییم این حدیث در هیچ منبع روایی شیعه و اهل سنت به نقل از پیامبر 6 و یا ابن عباس نیامده و تنها در برخی منابع روایی متأخر، از امام علی 7 بیان گردیده است. علاوه بر این، در بخش مفهوم ترتیل در سنت بیان کردیم که این حدیث، روایتی ضعیف و بدون سندی است که نمی‌تواند در این موضوع مورد استناد قرار گیرد.

ثانیاً: چنان‌که در مباحث گذشته اشاره شد، بر فرض صحیح بودن روایت، علم تجوید و قواعد وضع شده برای آن، از علوم و قواعدی است که پس از عصر امام علی 7 ابداع و به وجود آمده است، از این رو نمی‌توان روایت آن حضرت را حمل بر این معنا نمود که در بحث مفهوم ترتیل در سنت، به نظر برخی از فقیهان در رد حمل این حدیث بر این معنا اشاره گردید.

ثالثاً: هر چند بسیاری از قواعد علم تجوید، احکام و قواعدی هستند که رعایت آنها در تلاوت قرآن کریم شایسته و گاه ضروری و لازم است، ولی برخی از این قواعد از جمله بعضی از مواضع وقف آیات، از جمله قواعدی به‌شمار می‌آیند که عالمان علم تجوید، این قواعد را بر اساس فهم و درک خود وضع کرده‌اند که برخی از آنها بر خلاف روایات مستفیض منقول از معصومین : بوده و رعایت آنها در تضاد با تدبر و فهم صحیح آیات قرآن خواهد بود. در این باره مرحوم محمدباقر مجلسی می‌فرماید:

«عالمان علم تجوید مواضع وقف را بر اساس فهم خود از تفسیر آیات وضع کرده‌اند، از این رو موارد متعددی از وقف در آیات قرآن وجود دارد که بر خلاف روایات مستفیض منقول از اهل بیت : است. به عنوان مثال، در علم تجوید، وقف بر لفظ جلاله «الله» در آیه {وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ} (آل عمران/7) را لازم دانسته‌اند، با این گمان که راسخین در علم، تأویل آیات قرآن را نمی‌دانند؛ درحالی‌که در روایات فراوان و مستفیض وارد شده است که راسخین در علم، امامان معصوم : هستند و آنان تأویل آیات قرآن را می‌دانند. افزون بر این، مفسران متأخر شیعه و اهل سنت برای آیات قرآن، تفاسیر متعددی را بیان کرده‌اند که این تفاسیر، هیچ گونه توافق و تناسبی

با وقف‌های وضع شده در علم تجوید ندارد.» (مجلسی، 9/82)

صاحب جواهر نیز در این باره می‌نویسد:

«برخی به تبعیت از عالمان علم تجوید، «ترتیل» را به تبیین حروف با رعایت صفات معتبر در آن همچون همس، جهر، استعلا، اطباق، غنه و غیر آن و نیز وقف تام و حسن تفسیر کرده‌اند که چنین تفسیری خالی از ایراد نیست؛ زیرا دلیلی بر استحباب وقف‌های مصطلح در علم تجوید وجود ندارد، چه رسد به اینکه این امور داخل در مفهوم ترتیل باشد. سبب این امر آن است که عالمان علم تجوید از جانب خود، مواضعی را در قرآن برای وقف قرار داده‌اند و برخی از این مواضع همچون وقف بر لفظ جلاله «الله» در آیه 7 آل عمران را واجب شمرده‌اند که بطلان آن روشن است، بلکه از امام ابو منصور روایت کرده‌اند که وی در 52 مورد از قرآن، وقف بر آیات را حرام دانسته و گفته است: هر کس به عمد در این موارد وقف نماید، کافر است که از جمله آنها، وقف بر «الذین» در جمله {صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ} در آیه 7 سوره حمد و وقف بر «ملک سلیمان» در جمله {وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ} در آیه 102 سوره بقره است و مواردی دیگر که همه این موارد باطل و از جمله مطالبی است که این افراد از جانب خود آنها را بافته‌اند و دلیلی بر اثبات این امور وجود ندارد.» (نجفی، 395/9)

بسیاری از فقیهان معاصر نیز در منابع فقهی و رساله‌های عملیه خود - با توجه به اینکه صحیح خواندن قرآن جزء مقومات و شروط اصلی ترتیل است - رعایت بسیاری از قواعد تجوید را در صحت قرائت آیات قرآن لازم ندانسته‌اند که این امر حکایت از آن دارد که قواعد تجویدی مذکور خارج از دایره قرائت صحیح و معنای ترتیل است. از جمله امام خمینی در کتاب *تحریر الوسيله* در این باره می‌نویسد:

«معیار در صحیح بودن قرائت آن است که حروف از مخارج خودشان ادا شوند؛ به طوری که اهل زبان عربی بگویند که شخص فلان حرف را ادا کرد و نه حرفی دیگر را، و نیز حرکات زیربنایی کلمه و آنچه در هیأت و شکل کلمه دخالت دارد و نیز حرکات و سکون‌های مربوط به اعراب و بنا را مطابق با آنچه علمای صرف و نحو نوشته‌اند، مراعات نماید و همزه وصل را وقتی در اثنای قرائت قرار می‌گیرد، همچون همزه «ال» و همزه «اهدنا» را بنا بر احتیاط حذف نماید و همزه قطع همچون

همزه «انعمت» را ثابت گزارده و حذف نکند و در تعیین و تشخیص مخارج حروف، ریزه‌کاری‌ها و دقت‌های علمای تجوید لازم نیست، چه رسد به رعایت صفات حروف همچون شدت، رخوت، تفخیم، ترقیق، استعلا و مانند آنها و نیز مراعات ادغام کبیر، چه در حروف مماثل و یا حروف مقارب؛ اعم از اینکه در دو کلمه و یا یک کلمه باشند، لازم نیست، بلکه احتیاط آن است که ادغام کبیر مخصوصاً در حروف مقارب ترک شود.» (موسوی خمینی، 167/1)

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب و مباحث مطرح در این تحقیق به دست می‌آید که ترتیل یکی از روش‌های تلاوت قرآن کریم و بلکه اصلی‌ترین و مهم‌ترین روش قرائت کتاب الهی است که خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر اسلام ﷺ و مؤمنان را با تأکید، به تلاوت آن فرمان داده است و در روایات منقول از اولیای معصوم دین نیز بر تلاوت قرآن کریم با این روش تأکید شده است و برای این عمل، آثار و برکات زیادی هم در دنیا و هم در آخرت ذکر گردیده است.

همچنین از آیات و روایات و مطالب دیگری که بیان شد، به دست آمد که معنای ترتیل، تلاوت قرآن با رعایت قواعد تجوید، آن گونه که در منابع علم تجوید شهرت یافته و یا تلاوت قرآن با تأنی و صوت نیکو، آن گونه که در اذهان عموم شکل گرفته نیست، بلکه معنا و مفهوم حقیقی ترتیل آن است که قاری قرآن در تلاوت این کتاب الهی، باید به دو جنبه و جهت، توجه و اهتمام ورزد. جهت نخست جنبه‌های لفظی و ظاهری در قرائت قرآن است و جهت دیگر، توجه به جنبه‌های معنوی و مفهومی آیات است که هر یک از این دو جهت نیز مراتب و مصادیقی دارد.

جنبه لفظی و ظاهری قرائت آن است که قاری قرآن اولاً حروف و کلمات قرآن کریم را صحیح و از مخارج خود ادا کرده و آنها را به‌طور واضح و آشکار بیان نماید، ثانیاً قرآن را با تأنی و آرامش و شمرده شمرده تلاوت کند و از شتاب و عجله در قرائت قرآن پرهیز کند.

رعایت جنبه‌های معنایی و باطنی آیات آن است که قاری در مرتبه نخست، خود را مخاطب اصلی آیات قرآن قلمداد کند، گویا آیات قرآن به‌طور خاص بر او و برای او نازل شده است. از این رو به خطابات الهی که او را با الفاظی همچون «یا ایها الذین آمنوا» و «یا ایها الناس» مخاطب ساخته، لیبک گوید. افزون بر این، محتوا و مضمون آیات را با کلمات و جملاتی دیگر همچون تسبیح، تکبیر، «کذلک الله ربی» و مانند آنها که در روایات اهل بیت : به آن اشاره شده، مورد تأیید قرار دهد. همچنین در هنگام تلاوت آیات نعمت، نعمت‌های مذکور را از خداوند طلب کرده و در هنگام تلاوت آیات عذاب، از شرّ عذاب‌های مذکور به خداوند پناه ببرد.

افزون بر این، در معنا و مفهوم آیات، تدبیر و تفکر نماید و دریابد که خداوند در این آیات چه پیامی را به او القا نموده و او را به چه اموری فرمان داده است و پس از درک پیام و مفهوم آیات، در پی عمل به آنها برآید.

در مرتبه نهایی، قاری از تلاوت آیات قرآن تأثیر و تأثر پذیرد. به این معنا که وقتی به آیات نعمت می‌رسد، نفس او برای رسیدن به آن نعمت به پرواز درآید و اشک‌های او جهت دستیابی به آن از شوق جاری شود، و هنگامی که به آیات عذاب می‌رسد، از خوف الهی، حالت اضطراب و نگرانی بر او چیره گردد و اشک‌های وی از خوف گرفتار شدن به عذاب خدا جاری گردد.

البته تأثیر پذیری از آیات و رسیدن به این مرحله، با تحمیل بر نفس و برای همگان امکان‌پذیر نیست، بلکه این مقامی است که اختصاص به انسان‌های باتقوا و اولیای الهی دارد و راه رسیدن به این مقام نیز تهذیب نفس و عمل به واجبات الهی و اجتناب از محرّمات خداست؛ به‌گونه‌ای که قاریان قرآن هر چه پاک‌تر بوده و از تقوای بالاتری برخوردار باشند، تأثیر و تأثرپذیری آنان از آیات قرآن بیشتر خواهد بود.

منابع و مأخذ:

1. ابن جزری، محمد بن محمد؛ التمهید فی علم التجوید، تحقیق: علی حسین البواب، ریاض، مکتبة المعارف، 1405ق.
2. ابن جزری، محمد بن محمد؛ النشر فی قرات العشر، تحقیق: محمد سالم محسن، قاهره، مکتبة القاهره، بی تا.
3. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، 1405ق.
4. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
5. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثت، بی تا.
6. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دارالفکر، بی تا.
7. بیهقی، احمد بن الحسین؛ السنن الکبری، بیروت، دار الفکر، بی تا.
8. پورفرزب، ابراهیم؛ تجوید جامع، تهران، انتشارات سمت، 1374ش.
9. ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن الترمذی، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دار الفکر، 1403ق.
10. توفیق الصباغ، عبدالله؛ فن الترتیل، امارات، دار القلم، 1414ق.
11. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق: ابومحمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1422ق.
12. حاکم نیشابوری، ابی عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بی جا، بی تا، بی تا.
13. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت ، 1414ق.
14. حسینی، شیخ عثمان؛ اصول تدریس التجوید، مکه، دار طبیبه الخضراء، 1426ق.
15. حلّی، حسن بن یوسف؛ نهاية الاحکام، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1410ق.

16. خویطر، طارق بن محمد بن عبدالله؛ ایسر البیان فی تجوید القرآن، ریاض، دار الکنوز اشبیلیا، 1428ق.
17. دیلمی، حسن بن محمد؛ ارشاد القلوب، قم، انتشارات الشریف الرضی، 1415ق.
18. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، بی تا.
19. زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، 1414ق.
20. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، 1376ق.
21. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابی، 1385ق.
22. سجستانی، سلیمان بن اشعث؛ سنن ابی داود، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفکر، 1410ق.
23. سمعانی، منصور بن محمد؛ تفسیر السمعانی، تحقیق: یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس، ریاض، دار الوطن، 1418ق.
24. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، بی تا، 1416ق.
25. شمس، مراد علی؛ پژوهشی پیرامون تاریخ علم تجوید، بی جا، انتشارات قدیانی، 1380ش.
26. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ الامالی، قم، مؤسسه بعثت، 1417ق.
27. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ صفات الشیعه، تهران، انتشارات کانون عابدی، بی تا.
28. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ عیون اخبار الرضا 7، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1404ق.
29. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
30. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1415ق.
31. طنطاوی، سید محمد؛ التفسیر الوسیط للقرآن، قاهره، دارالمعارف، 1412ق.

32. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام، تحقیق: سید حسن موسوی الخراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1365 ش.
33. طیب، سید عبدالحسین؛ اظہار البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، 1378 ش.
34. عاملی، محمد بن مکی (شہید اول)؛ الذکر الشیعہ فی احکام الشریعہ، قم، مؤسسہ آل البیت، 1419 ق.
35. عاملی، زین الدین بن علی (شہید ثانی)؛ مسالک الافہام، قم، مؤسسہ معارف اسلامی، 1413 ق.
36. علامی، ابوالفضل؛ پژوهشی در علم تجوید، قم، نمایندگی ولی فقیہ در نیروی زمینی سپاہ، 1377 ش.
37. فراہیدی، خلیل بن احمد؛ العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراہیم السامرائی، قم، مؤسسہ دارالہجرہ، 1409 ق.
38. فغانی، احمد؛ مبانی قرائت و تجوید قرآن، سبزوار، ابن یمین، 1384 ش.
39. فیض کاشانی، ملا محسن؛ التفسیر الصافی، تحقیق: شیخ حسین الاعلمی، بیروت، مکتبہ الصدر، 1416 ق.
40. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن، تحقیق: مصطفی السقا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1405 ق.
41. کاشانی، فتح اللہ؛ زبدۃ التفاسیر، قم، مؤسسہ معارف اسلامی، 1423 ق.
42. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیہ، 1363 ش.
43. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، تحقیق: سید ابراہیم میانجی و محمد باقر بہبودی، بیروت، مؤسسہ الوفاء، 1403 ق.
44. محقق اردبیلی، احمد بن محمد؛ زبدۃ البیان فی احکام القرآن، تهران، مکتبہ المرتضویہ، بی تا.

45. محقق حلی، جعفر بن حسن؛ المعتبر فی شرح المختصر، تحقیق: قم، مؤسسه السید الشهداء، 1346ق.
46. مغنیه، محمد جواد؛ التفسیر الکاشف، بیروت، دار العلم للملایین، 1981م.
47. موسوی خمینی، سید روح الله؛ تحریر الوسیله، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1390ش.
48. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1365ق.
49. نراقی، احمد بن محمد مهدی؛ مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت ، 1415ق.
50. نسائی، احمد بن شعیب؛ سنن النسائی، بیروت، دارالفکر، 1348ق.
51. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بی تا.
52. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.